

عنوان مقاله: عناصر حرکت عمومی برای تمدن سازی (۱)

تولید شده در کارگروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

بهمن ۱۴۰۳

چنانچه از مباحث قبل مشخص شد در گام دوم انقلاب اسلامی باید به سمت چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل حرکت کنیم. این حرکت باید به صورت «حرکت عمومی» باشد. محوریت این حرکت با جوانان متعهد انقلابی است. تبیین و گفتمان سازی این حرکت با صاحبان ذهن فعال و زبان گویاست؛ پس برای ایجاد حرکت عمومی به دو گروه «صاحبان ذهن فعال و زبان گویا» و «جوانان متعهد» نیاز است. حال باید به بیان این مطلب پردازیم که تبیین باید بر چه مسائلی واقع شود. برای فهم این مسأله باید به واضع این اصطلاح رجوع کرد که همانا مقام معظم رهبری هستند.

رهبر معظم انقلاب در تاریخ اول خرداد ماه سال ۱۳۹۸ سه ماه و اندی پس از صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در جمع دانشجویان به بیان راهبرد رسیدن به چشم انداز مطرح شده در بیانیه گام دوم پرداخته اند. ایشان پس از طرح مسأله حرکت عمومی و نیاز به آن برای رسیدن به چشم‌انداز گام دوم، فرآیند ورود جوانان به حرکت عمومی را تبیین می‌کنند. ایشان می‌فرمایند این حرکت عمومی باید صحیح و منضبط و عقلانی باشد. برای رسیدن به چنین حرکتی، چهار عنصر را لازم می‌دانند:

۱- شناخت صحنه: «این کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکتند یا لاقط تحریک‌کننده این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند» ایشان در توضیح شناخت صحنه می‌فرمایند:

«عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، میخواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خوب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصتهایش کدامها هستند، تهدیدهایش کدامها هستند، دشمنهایش چه کسانی هستند، دوستهایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود.»

کسی که صحنه را نشناسد، نمی‌داند باید به سمت چه کسی تیر پرتاب کند، از چه کسی حمایت کند، چه کسی را دوست و چه کسی را دشمن بدارد. باید دشمن را شناخت. بالاتر از آن باید دشمن اصلی و فرعی را شناخت. قرآن کریم درباره دشمن اصلی و فرعی می‌فرماید: «و لتجدنّ أشدّ الناس عداوةً للذین آمنوا الیهود و الذین أشركوا»

(مائده/ ۸۲) ممکن است گفته شود این کلام قرآن برای فضای ۱۴۰۰ سال پیش است و در حال حاضر باید به روز رسانی شود. جواب این است که کلام قرآن، ابدی است و جز تعداد معدودی از آیات، بقیه آیات نسخ نشده اند و باقی‌اند. علاوه بر این که بررسی اوضاع کنونی جهان نیز گویای این است که این آیه قرآن هنوز نیز پابرجاست و به قوت خود باقی است.

علاوه بر این باید برای شناخت صحنه، ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و قوت‌ها را نیز بشناسیم. بنابر آمار جهانی، کشور ما رتبه اول عدم استفاده از ظرفیت‌ها را دارد. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، منابع طبیعی ایران را ۷ درصد منابع دنیا اعلام می‌نمایند، در حالی که جمعیت ما یک درصد جمعیت دنیاست. این ظرفیت‌ها را باید شناخت. بسیاری از ظرفیت‌ها، ظرفیت‌های ملی و کلان است، برخی دیگر، ظرفیت‌های استانی و شهری است و سرانجام برخی از ظرفیت‌ها ظرفیت محلی است. آنچه که مربوط به مساجد است، ظرفیت محلی است. مساجد باید از ظرفیت‌های محل خود مطلع باشند. مساجد باید جوانان و نخبگان و کارآفرینان و متخصصان را بشناسند و از ظرفیت آنها استفاده کنند. می‌توانند از استعداد نخبگان در راستای ارتقای سطح علمی و مهارتی محل استفاده کنند، می‌توانند از کارآفرینان برای ایجاد اشتغال برای جوانان استفاده کنند. یکی دیگر از اموری که مساجد می‌توانند از آن استفاده کنند توانمندسازی جوانان است. کسی که علم و مهارتی دارد می‌تواند مهارت خود را در اختیار دیگران قرار دهد.

۲- جهت‌گیری مشخص: معظم له می‌فرماید: «یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته‌ی اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.»

مطابق فرمایش ایشان، جهت‌گیری حرکت ما در جامعه باید به سمت تشکیل تمدن اسلامی باشد. هر کاری که ما را به سوی تشکیل جامعه و تمدن اسلامی ببرد باید انجام شود و کاری که جهت‌گیری تمدنی ندارد باید ترک شود. بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی ما همچون همایش‌ها و سمینارها و جلسات به هیچ وجه جهت‌گیری تمدنی ندارند و صرفاً هزینه‌های کلانی بر روی دست بیت‌المال می‌گذارند. آیا در قبال اینها در قیامت پاسخگو نیستیم؟ بسیاری از فعالیت‌های مؤثر تمدنی به دلیل کمبود یا نبود بودجه متوقف هستند و بالعکس، بودجه‌ها در جایی مصرف می‌شوند که هیچ جهت‌گیری تمدنی ندارند. به عنوان مثالی دیگر، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، صرف هزینه‌های مربوط به خوردن و آشامیدن می‌شود. مثلاً قریب به اتفاق موبه‌هایی که در مناسبت‌ها برپا می‌شود صرف همین موارد می‌شود، اما کمتر موبه‌ی پیدا می‌شود که امور فرهنگی را متولی باشد. نذرها معمولاً نذرهای خوردنی و آشامیدنی است و کمتر اتفاق می‌افتد که نذر فرهنگی باشد.

